

حقوق اساسی کاربردی

نگارش: آیت الله هاشم هاشم زاده هریسی

نشر میزان

هاشم‌زاده هریسی، هاشم، ۱۳۱۷ —
گفتارهای در حقوق اساسی کاربردی / نگارش هاشم‌زاده

هریسی — تهران: میزان، ۱۳۸۴.

ISBN: 964-511-018-1

۱۶۰ ص. — (نشر میزان ۲۱۹)

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فنی.

عنوان دیگر: حقوق اساسی کاربردی.

کتابنامه: همچنین به صورت زیر نویس.

نمایه.

۱. تفکیک قوا: ۲. حقوق اساسی — ایران: ۳. جرایم سیاسی — ایران.

الف. عنوان: ب. عنوان: حقوق اساسی کاربردی

۳۳۲/۵۵

۵۲۵۷/۷۰ KMHT

۸۴-۲۵۴۱۲

کتابخانه ملی ایران

۲۱۹

نشر میزان

حقوق اساسی کاربردی

نگارش: آیت‌الله هاشم‌زاده هریسی

چاپ اول: پاییز ۱۳۸۴

شمار: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۶۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۵۱۱-۰۱۸-۱

دفتر مرکزی: خ ایرانشهر، جنب مسجد جلیلی، پلاک ۳۴، طبقه سوم، واحد ۶، تلفن ۸۸۳۰۶۲۰۲

واحد پخش و فروش: نمایشگاه و فروشگاه تخصصی کتب حقوق و علوم سیاسی، انتشارات

دانشگاه تهران، نشر میزان، خ انقلاب، بین لاله‌زار و فرصت، پلاک ۶۰۵، تلفن و دورنویس ۸۸۸۴۵۳۸۶

فهرست مطالب

مقدمه	۱۱
حقوق اساسی کاربردی چیست؟	۱۱
پیام نام کتاب:	۱۱
تعریف حقوق:	۱۲
تعریف اساسی	۱۳
تقسیمات حقوق و جایگاه حقوق اساسی در این تقسیم‌بندی	۱۶
تاریخ تأسیس حقوق اساسی و آثار آن	۱۹
تعریف کاربردی	۲۰
خصوصیات کتاب حاضر	۲۳
گفتار اول - تفکیک و استقلال قوا و استقلال قوه قضائیه	۲۵
بخش اول - تفکیک و استقلال قوا	۲۶
اصل تفکیک قوا:	۲۶
اصل استقلال قوا	۲۸
تعادل استقلال و تعامل قوا	۲۹
اختیارات و تداخلات قوه مقننه در قوای دیگر	۳۲
اختیارات و تداخلات قوه مجریه در قوای دیگر	۳۷
اختیارات و تداخلات قوه قضائیه در قوای دیگر	۴۳
یک تذکر مهم و قابل توجه: عدم توازن در توزیع قدرت	۴۷
تداخلات خارج از قوا	۴۸
نتیجه نهایی	۵۰
خلاصه بخش اول	۵۲

گفتار دوم - استقلال قضا در اسلام و قانون اساسی انواع و حدود آن ۵۵

- انواع استقلال ۵۵
- ۱ - استقلال از قوا: ۵۶
- ۲ - استقلال قاضی ۵۷
- ۳ - استقلال از حکومت و قدرت ۶۱
- چند نمونه عملی از استقلال قضا و قاضی در اسلام ۶۵
- خلاصه و نتیجه ۶۹

گفتار سوم - مسایلی چند در رابطه با نقض و یا عدم اجرای قانون اساسی ۷۱

- ۱ - آمار اجمالی و کلی ۷۱
- ۲ - تعریف عدم اجرا ۷۲
- ۳ - اهمیت قانون اساسی و ضرورت صیانت از آن ۷۴
- ۴ - عوامل نقض قانون اساسی و دستگاه‌های نقض کننده ۷۹
- ۵ - علل و دلایل نقض قانون اساسی ۸۱
- ۶ - عدم توازن اختیارات با مسئولیت ۸۷
- ۷ - پیشنهادها ۸۹
- ۸ - خاستگاه سخن و اعتذار ۹۱
- خلاصه و نتیجه ۹۳

گفتار چهارم - مسایلی چند در رابطه با جرایم سیاسی ۹۷

- ۱. جایگاه هیأت منصفه در محاکم اسلامی ۹۷
- ۲. جایگاه جرم سیاسی در اسلام ۱۰۱
- ۳. احکام جرم سیاسی در اسلام ۱۰۲
- ۴. اصول کلی در برخورد و مبارزه با جرایم سیاسی ۱۰۵

الف. سوءالتدبیر سبب التدمیر	۱۱۰
ب. الافراط فی الملامه یشب ناراللجاجة	۱۱۰
ج. بالسیره العادله یتهر المنای	۱۱۱
۵. اصولی چند در رابطه با جرم سیاسی	۱۱۱
خلاصه و نتیجه	۱۱۵

گفتار پنجم - مسایلی چند در مورد محاربه و تفاوت آن با بغی و جرم

سیاسی	۱۱۹
مقدمه:	۱۱۹
محارب و محاربه در قرآن	۱۲۰
محاربه در روایات اسلامی	۱۲۲
محارب در فقه اسلامی	۱۲۴
جمع بندی و نتیجه گیری:	۱۲۸
تفاوت محاربه با بغی و جرم سیاسی	۱۳۰
احکام محارب و تفاوت آن با بغی و جرم سیاسی	۱۳۲
خلط مبحث و اشتباه در قانونگذاری	۱۳۷
سیره و سنت علی (ع) در برخورد با باغیان و مجرمان سیاسی ...	۱۳۹
شیوه های برخورد با جرایم سیاسی در روایات اسلامی	۱۴۲
نکته قابل توجه:	۱۴۵
چند اصل و قاعده مستنبطه فقهی	۱۴۵
خلاصه و نتیجه	۱۴۹
فهرست اعلام و رجال کتاب	۱۵۴
فهرست منابع	۱۵۶
فهرست تألیفات مؤلف کتاب	۱۶۰

مقدمه:

حقوق اساسی کاربردی چیست؟

سخن آغازین را، هم می‌توانید به عنوان یک مقاله مستقل در کلیات و شناخت حقوق اساسی و هم به عنوان طلّیعه سخن و مقدمه کتاب بپذیرید.

پیام نام کتاب:

اهمیت و اهداف این مجموعه مقالات در نام کتاب یعنی «حقوق اساسی کاربردی» کنجانده شده است. جهت آشنایی با این اهداف لازم است ترکیبات این جمله مورد بررسی، تعریف و تحلیل قرار بگیرد.

نام کتاب از سه کلمه ترکیب یافته است:

۱- حقوق

۲- اساسی

۳- کاربردی

اینک به تعریف و تبیین این عناوین می‌پردازیم.

تعریف حقوق:

حقوق در اصل جمع حق است و از بهی حق در علوم مختلف مانند کلام، فلسفه، عرفان، اخلاق، فقه، حقوق و لغت بکار می‌رود و در هر علمی معنای خاص خود را داشته و دارای معانی فراوان است که بارزترین، عالی‌ترین و مقدس‌ترین آن‌ها «خدا» است که در علم کلام مطرح است و معنای کلامی آن، حق است یعنی مصداق بارز و معنای حقیقی حق همان خداست که خالق همه حق‌ها و منشأ همه‌ی حقوق و حق‌ها با تمام مفاهیم و مصادیق آن است ولی معنای حق در علم حقوق اینست:

«سهم، نصیب و بهره هر کسی و یا هر فرد و یا گروه، یا سازمان و حکومتی در هر چیزی که با منشأ طبیعی، ذاتی، فطری، و یا از طریق عقل یا شرع و یا عرف و یا به وسیله قانون و یا قرارداد و یا هر منشأ دیگری به طور قطع و مسلم برای او ثابت شده باشد به نحوی که هیچ کس و هیچ مقام و قدرتی حق گرفتن و یا سلب کردن آن نصیب و بهره را از او نداشته باشد».

بنابراین در برابر هر حقی، وظیفه‌ای وجود دارد حق و وظیفه متقابل هم و لازم و ملزوم یکدیگرند زیرا در هر کجا حقی برای کسی وجود دارد، تکلیف و وظیفه دیگران رعایت آن و عدم تعدی و تجاوز به آن است. «حق» به همین معنا، جمع آن «حقوق» است.

حقوق در اصطلاح: «نام خاص علمی است که از حق انسان‌ها، سازمان‌ها و حکومت‌ها سخن می‌گوید و آن‌ها را بررسی و تبیین می‌کند. حدود و ثغور آن‌ها را تعیین می‌نماید» و هم چنین هر کدام از مسائل و موضوعات مورد بحث این علم را نیز حقوق می‌نامند.

تعریف اساسی

اساس در لغت به معنای اصل، ریشه، بنیاد، پایه و شالوده است، اساسی یعنی یک امر محکم، بنیادی، ریشه‌ای، پایه‌ای و زیربنایی که امور دیگر بر روی آن بنیان شده و استوار باشد حقوق اساسی یعنی حقوق پایه و زیر بنا، حقوق ریشه‌ای و بنیادی و حقوق کلی و اصولی است که بسیاری از حقوق بر روی آن قرار دارند و از آن ناشی و متفرع می‌شوند. حقوق اساسی در اصطلاح علم حقوق، رشته و شاخه‌ای از علم حقوق و بخشی از مسائل آن است که با در نظر گرفتن معنای لغوی آن تعاریفی از آن به عمل آمده است که چند مورد از آنها در ذیل ارائه می‌شود:

۱ - حقوق اساسی مجموعه اصول و قواعدی است که روابط حکومت را با مردم و هم‌چنین اقتدار وظایف و مسئولیت‌های دستگاه‌های سه‌گانه: قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی و صاحبان مقامات عمده حکومت و ارتباط میان آنها را معلوم و معین می‌کند.^(۱)

۲ - حقوق اساسی بیان‌کننده و تنظیم‌کننده رابطه سیاسی دولت با ارگان‌های داخلی حکومت و با اجزای خود از یک طرف و با مردم از طرف دیگر است.^(۲)

۳ - حقوق اساسی رشته‌ای از حقوق عمومی داخلی است که سازمان و شکل حکومت، وظائف و مسئولیت‌های قوای حاکم، حقوق و تکالیف افراد در برابر دولت، و وظائف دولت در رعایت حقوق و آزادی‌های افراد در برابر دولت، و وظائف دولت در رعایت حقوق و آزادی‌های افراد و ملت را مشخص

۱ - حقوق اساسی تألیف دکتر جعفر بوشهری: ۶/۱.

۲ - حقوق اساسی و تحولات سیاسی نوشته دکتر علی وفادار: ۱۱۸.

می‌سازد. (۱)

۴ - حقوق اساسی رشته‌ای از حقوق داخلی عمومی است که در آن از شکل دولت، سازمان قوای عالیہ مملکتی، وظائف و اختیارات هر یک از قوای مزبور و روابط آنها با یکدیگر، حدود قدرت دولت، حقوق و آزادی‌های افراد ملت به گونه‌ای که در قانون اساسی کشور معین و مقرر شده است، بحث و گفتگو می‌شود. (۲)

۵ - حقوق اساسی رشته‌ای از علم حقوق است که در آن، از سازمان عمومی دولت، رژیم سیاسی، ساختار حکومت، سازمان، وظائف و اختیارات قوای ثلاثه و حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی، انتخابات و احزاب سیاسی و تبلیغات و نظائر آن بحث و گفتگو می‌شود. (۳)

این تعاریف در عین عالمانه بودن خالی از نقد و ضعف نیستند در عین طولانی بودن جامع و مانع نمی‌باشند و محدوده شمول آنها با یکدیگر متفاوت و دارای نوسانات زیادی است تعریف دوم در عین کوتاه بودن تا حدی مناسبتر بنظر می‌رسد با این اشکال که فقط روابط سیاسی را مطلق نظر قرار داده حقوق و روابط دیگر از شمول تعریف خارج شده است بنابراین توضیح، بهترین تعریف می‌تواند چنین باشد:

۶ - حقوق اساسی مجموعه قواعدی است که حقوق سیاسی، اجتماعی و شهروندی بنیادی مردم را نسبت به حکومت، حقوق و وظائف حکومت را

۱ - حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، نوشته دکتر سید جلال‌الدین مدنی: ۱۸.

۲ - حقوق اساسی، نوشته منوچهر مؤتمنی طباطبائی: ۱۲.

۳ - همان مدرک: ۱۴.

نسبت به مردم و هم‌چنین ساختار حکومت و روابط اجزای آن را با یکدیگر تبیین می‌کند.

بنابراین تعاریف، حقوق اساسی نسبت به حقوق دیگر چندین شاخصه و خصیصه دارد:

- ۱ - به‌علت اساسی بودن، حقوق پایه و بنیادی است.
- ۲ - به‌علت بنیادی بودن، کلی و اصولی است.
- ۳ - به‌علت کلی بودن، عمومی است.
- ۴ - شامل هم ملت و هم حکومت است.
- ۵ - به‌علت ارتباط آن با حقوق و وظائف متقابل ملت و حکومت، جنبه سیاسی آن پررنگ و غالب است بلکه حقوق سیاسی بخشی از حقوق اساسی است^(۱). به‌طوری‌که گاهی حقوق سیاسی نیز نامیده شده است و حتی در بدو تأسیس این رشته حقوق در فرانسه در سال ۱۷۹۷ تا اواسط قرن ۱۹ به مدت نیم قرن، حقوق سیاسی نامیده می‌شد.^(۲) و سپس به تدریج به شاخه‌های دیگری نیز توسعه و گرایش پیدا نمود و از حقوق سیاسی فراتر رفت به حقوق اساسی تغییر نام یافت.

باز بنابر آن تعاریف و شاخصه‌ها، موضوع حقوق اساسی عبارت است از:

- ۱ - شکل و ساختار حکومت‌ها و نهادها و سازمان‌های سیاسی آن.
- ۲ - دولت و قوا، عناصر و اجزای تشکیل دهنده آن.
- ۳ - وظائف و اختیارات و حق تداخلالت عناصر دولت و حکومت نسبت به یکدیگر.

۱ - حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، نوشته دکتر ابوالفضل قاضی، انتشارات میزان، ۵/۱.

۲ - همان مدرک.

۴- حقوق اصولی دولت و حکومت نسبت به مردم و مردم نسبت به حکومت و روابط حاکم در میان آنها.

۵- حقوق حاکمیتی مردم.

۶- حقوق سیاسی مردم.

۷- حقوق اجتماعی مردم.

۸- حقوق شهروندی مردم.

۹- احزاب، تشکل‌ها، جمعیت‌ها و نهادهای مدنی و مردمی.

۱۰- حقوق مطبوعات.

البته به این نکته نیز باید توجه شود از این حقوق و مسائل تا آنجا که پایه‌ای، بنیادی، کلی، اصولی و عمومی است و از شاخصه‌های تعیین شده حقوق اساسی برخوردار است در شاخه حقوق اساسی می‌گنجد و بقیه مسائل آنها که این ویژگی‌ها و شاخصه‌ها را ندارند در شاخه‌های دیگر حقوق مورد بحث قرار می‌گیرند و در اینجا جهت روشنتر شدن اهمیت و جایگاه حقوق اساسی در علم حقوق به تقسیمات اولیه حقوق نظر کوتاهی می‌افکنیم.

تقسیمات حقوق و جایگاه حقوق اساسی در این تقسیم‌بندی

حقوق در تقسیم اولیه و کلی به چند نوع تقسیم ثنائی (دوتائی) تقسیم شده سپس هرکدام از این تقسیمات کلی مبنای تقسیمات فرعی دیگری قرار گرفته، تقسیمات و شاخه‌های فراوان حقوقی بوجود آمده است ما در اینجا به سه نوع از این تقسیم‌های کلی و ثنائی اشاره می‌کنیم:

۱- حقوق داخلی است یا بین‌المللی.

در این تقسیم، حقوق سیاسی در حقوق داخلی قرار می‌گیرد و یکی از

شاخه‌های حقوق داخلی می‌باشد.

۲- حقوق، یا خصوصی است و یا عمومی.

حقوق خصوصی، حقوق افراد را نسبت به یکدیگر تبیین می‌کند ولی حقوق عمومی از حقوق جامعه و حقوق متقابل بین ملت و دولت و حقوق دولت‌ها در برابر یکدیگر سخن می‌گوید در این تقسیم‌بندی، حقوق اساسی در شاخه‌های حقوق عمومی قرار می‌گیرد.

۳- حقوق طبیعی یا طبیعی است و یا موضوعه

حقوق موضوعه، حقوقی هستند که با تشریع در شرع و یا تصویب در قانون اساسی و یا عادی به وسیله نمایندگان مردم و یا با تصویب مستقیم مردم در عرف، سنن، آداب و رسوم اجتماعی، جنبه حقوقی پیدا نموده و برای انسان‌ها نابت می‌شود و اگر تشریع و یا تصویب نمی‌شد، قابل مطالبه و اثبات و قابل دفاع نمی‌گردید ولی حقوق طبیعی، حقوق فطری و ذاتی انسان‌ها است که بر انسانیت انسان بار شده به طوری که همه انسان‌ها بدون توجه به نژاد، مذهب، ملیت، برجستگی‌ها و امتیازات اکتسابی آن‌ها، از آن حقوق به طور یکسان برخوردارند تا آنجا که نه قابل سلبند و نه قابل اعطا و بخشش و نه نیاز به تصویب دارند زیرا که فطری و ذاتی هستند مانند حق حیات، حق کرامت انسانی، حق حریت و آزادی و کلاً حقوق بشر از مصادیق حقوق طبیعی است به طوری که احتیاج به تشریع و تصویب قانونی هم ندارند و اگر در شرع و قانون نیز مورد تشریع و تصویب قرار گیرند، امضائی است نه تأسیسی یعنی با تشریع و یا تصویب قانونی در این گونه موارد حق جدیدی برای کسی ایجاد نشده است بلکه حقی که انسان ذاتاً و فطرتاً داشته در شرع و یا قانون نیز امضا شده و مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است بدین جهت شهید مطهری این گونه امور و حقوق را امری فراتر از قانون و از

مقوله فلسفه می‌داند و می‌فرماید:

«انسان‌ها نمی‌توانند محتویات اعلامیه حقوق بشر را برای خود وضع کنند و نه می‌توانند از خود سلب و اسقاط نمایند حقوق بشر فلسفه است نه قانون»^(۱)

«اعلامیه حقوق بشر، حقوق ذاتی و غیرقابل سلب و غیرقابل اسقاط انسان‌ها را مورد بحث قرار داده است حقوقی که.... دست توانای خلقت و آفرینش آنها را برای انسان‌ها قرار داده است»^(۲)

در این تقسیم‌بندی حقوق اساسی در هر دو شاخه تقسیم جای دارند حقوق طبیعی به علت اساسی و بنیادی بودن آنها در مقوله حقوق اساسی قرار می‌گیرند و از حقوق موضوعه نیز بخشی از آن که در قوانین موضوعه مخصوصاً در قانون اساسی برای تنظیم ارتباط دولت و ملت و یا ساختار حکومت وضع و تصویب شده‌اند شاخه حقوق اساسی موضوعه را تشکیل می‌دهند.

در همه این تقسیم‌بندی‌های اولیه حقوق، جایگاه والای حقوق اساسی و برجستگی آن در علم حقوق روشن می‌گردد ولی متأسفانه در برخی از نظرات، تعبیرات و تألیفات، حقوق اساسی در تعیین و تبیین نهادهای سیاسی و شکل و ساختار حکومت‌ها و دولت‌ها محصور شده است یکی از اهداف این مقاله جلوگیری از این گونه برداشت نهادگرایانه و تبیین جایگاه واقعی حقوق اساسی در علم حقوق است.

۱ - مجموعه آثار استاد شهید مطهری: ۱۴۰/۱۹.

نظام اسلامی حقوق زن در اسلام، نوشته استاد شهید مطهری: ۱۲/۶.

۲ - همان مدرک.

تاریخ تأسیس حقوق اساسی و آثار آن

مفاهیم حقوق اساسی و سیاسی در قرن هجدهم همزمان با انقلاب آمریکا در سال ۱۷۷۶ در جوامع بشری مطرح گردید سپس با انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ توسعه پیدا نمود و منتهی به تدوین قانون اساسی در آمریکا به سال ۱۷۸۷ سپس در فرانسه به سال ۱۷۹۱ گردید.^(۱) تا بالاخره در سال ۱۳۹۷ اصطلاح حقوق اساسی احداث و بکارگیری شد^(۲) و در سال ۱۸۳۴ جایگاه علمی خود را در علم حقوق پیدا نمود و در دانشگاه پاریس کرسی تدریس برای آن گشایش یافت^(۳).

و نهایتاً در آغاز قرن بیستم منتهی به نهضت‌های آزادی خواهانه در کشورهای اروپای شرقی و تبدیل حکومت‌های استبدادی به مشروطیت و جمهوریت گردید و جنبش قانون اساسی نویسی در جهان به راه افتاد به تدریج در بسیاری از کشورهای جهان قانون اساسی براساس حقوق اساسی مردم تنظیم و تدوین گردید و این سیر تحولات حقوق اساسی و موج آزادی خواهی و قانون اساسی گرایی در جهان، ایران را نیز فراگرفت و منتهی به انقلاب مشروطیت و سقوط استبداد گردید تا بالاخره در سال ۱۰۹۶ میلادی مطابق ۱۲۸۵ هجری شمسی و ۱۳۲۴ هجری قمری اولین قانون اساسی ایران پس از انقلاب مشروطیت در ۵۱ اصل تدوین و تصویب گردیده و ایران نیز صاحب قانون اساسی شد و در سال ۱۲۸۶ متممی در ۱۰۷ اصل بر آن اضافه گردید و قانون اساسی ایران دو متنی شد ولی باز به علت عدم رعایت حقوق اساسی مدون در قانون اساسی و تبدیل

۱ - حقوق اساسی دکتر علی یار ارشدی: ۲۰.

۲ - نشریه حقوق اساسی دکتر گرجی مقاله دکتر محمد هاشمی: ۱۹۴/۳.

۳ - حقوق اساسی و نهادهای سیاسی نوشته دکتر ابوالفضل قاضی: ۴/۱.

مشروطیت به استبداد، مجدداً انقلاب عظیم دیگری بنام انقلاب اسلامی بوقوع پیوست و در سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید و منتهی به سقوط رژیم سلطنتی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی گردید و بعد از سقوط رژیم سلطنتی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی، قانون اساسی سلطنتی و شاهنشاهی الغا و در سال ۱۳۵۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی به عنوان دومین قانون اساسی ایران تدوین گردید و در مجلس خبرگان قانون اساسی بررسی و به تصویب نهائی رسید و روز ۱۲ فروردین در یک همه پرسی عمومی از تصویب همگان گذشت و رسمیت پیدا نمود و جایگزین قانون اساسی مشروطه سلطنتی شد و تحول دیگری در حقوق اساسی ایران به وجود آمد که ما اکنون مقالات حقوق اساسی خود را براساس آن تنظیم، تحلیلی، تطبیق و مطالبه می‌کنیم.

تعریف کاربردی

سومین کلمه نام کتاب و پسوند آن، کلمه «کاربردی» است بررسی نحوه بکارگیری و جنبه‌های عملی یک چیز را «بحث کاربردی» می‌گویند به طور کلی در مورد یک مسأله حقوقی و یا هر مسأله و موضوع دیگری با چهار روش می‌توان بحث نمود.

روش اول اینکه: قطع نظر از مرحله وجود و عمل، صرفاً از حقیقت و شکل واقعی یک موضوع بحث می‌شود، آن را «بحث تئوری و نظری» می‌گویند. روش دوم اینکه: در مرحله وجود و تحقق از شکل و حالت موجود آن صحبت می‌شود و آن را «بحث تبیینی و تشریحی» و یا شرح و تفسیر می‌نامند. روش سوم اینکه: از چه راهی با چه روشی و چگونه می‌توان به آن حقیقت که در مقام تئوری و نظری ترسیم شده است، رسید و بدان دست یافت مورد بحث

قرار می‌گیرد آن را «بحث راهبردی» می‌گویند.

روش چهارم اینکه: آنچه تحقق و وجود پیدا نموده چگونه بدان باید عمل شود یا عمل می‌شود؟ روش عمل و یا اجرا چگونه باید باشد؟ آیا شکل موجود و یا عمل کرده‌ها با حقیقت واقعی که در مقام تئوری ترسیم می‌شود، انطباق دارد و یا نه؟ اشکالات شکلی، ماهوی، عملی و اجرایی آن کدامند و چگونه باید این اشکالات عملی، اجرایی و یا قانونی برطرف شود؟ همه این مسائل و مباحث و امثال آن را که جنبه عملی دارد، «بحث کاربردی» می‌گویند در واقع بحث کاربردی تا حدی حالت نقد عملکرد و روی کرد عملگرایانه و نقدگرایانه دارد. شیوه بحث ما در این رسائل و مقالات حقوقی تا حدی از روش کاربردی برخوردار است زیرا در این مقالات تنها به تشریح و تبیین موضوعات مورد بحث اکتفا نشده بلکه ضمن آن به اشکالات ساختاری، شکلی، تقنینی و عملی نیز اشاره گردیده و مورد نقد و تعریض قرار گرفته تا زمینه رفع و اصلاح آن‌ها فراهم شود مانند: «سوء تفسیر از استقلال قوا و پی آمدهای آن، نسبی بودن استقلال قوا در جمهوری اسلامی و نتایج عملی آن، عدم توازن توزیع قدرت در میان قوا، عدم توازن اختیارات با مسئولیت‌ها، عدم تناسب قدرت با مسئولیت، تفسیر و برداشت غیر حقوقی و غیر اصولی از برخی اصول قانون اساسی و پیامدهای آن در روابط قوای سه‌گانه»^(۱) سوء برداشت از استقلال قوه قضائیه و نتایج عملی آن، سوء برداشت از استقلال قاضی و آثار آن در رد لوایح قانونی، مآذون بودن قضات جمهوری اسلامی و تأثیر آن در نحوه قانون‌گذاری قضائی، تفسیر صحیح از اصل ۱۵۶ قانون اساسی و اثرات آن در تحول رویه و فرهنگ قضا، معنای اصلی استقلال و بی‌طرفی قاضی و آثار عملی آن در رسیدگی به جرائم

سیاسی^(۱) گزارشی از وضعیت اجرای قانون اساسی و آثار آن در جامعه، تعریف کاربردی و تطبیقی از اجرای قانون اساسی، بررسی علل و عوامل فکری، سیاسی و اجتماعی نقض قانون اساسی، ارتباط عدم اجرای برخی از اصول قانون اساسی با مشکلات اقتصادی و مشکلات سیاسی، خلأ اختیارات کافی و ضمانت اجرائی مناسب برای رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی، پیشنهاد طرح‌های صیانت از قانون اساسی و بن‌بست‌های موجود در تحقق این پیشنهادها^(۲) تبیین جایگاه هیأت منصفه در فقه اسلامی و رفع شبهات آن، علل و عوامل افزایش و گسترش جرم سیاسی و راه صحیح پیشگیری، سیره عملی علی‌امیرمؤمنان‌ها در برخورد با مجرمان سیاسی که خود یک بحث کاربردی است، اصول و قواعد عملی حاکم و جاری در جرائم سیاسی^(۳) جداسازی مرز مشترک محاربه با بغی از نظر موضوع، تفاوت‌های بغی و محاربه در احکام، خلط مبحث و اشتباه بین در قانون محاربه، سیره عملی امیرمؤمنان‌ها و اصول عملی در حدود الهی و جرایم غیر خصوصی^(۴).

مسائل و نکات مختلف دیگری که در مقالات و رساله‌های حقوق اساسی این کتاب گنجانده شده و همه آنها نکات کاربردی است و یا به یک نتیجه عملی و کاربردی منتهی می‌شود اساساً موضوعات مطروحه در این مقالات و رساله‌ها، موضوعات کاربردی و مورد ابتلا در جامعه است بدین جهت پسوند کاربردی بر آن افزوده شده است.

۱ - همین کتاب مقاله استقلال قضا در اسلام و قانون اساسی.

۲ - همین کتاب، مقاله مسائلی چند در رابطه با نقض و یا عدم اجرای قانون اساسی.

۳ - مقاله مسائل چند در رابطه با جرم سیاسی.

۴ - مقاله مسایل چند در مورد محاربه.

خصوصیات کتاب حاضر

کتاب حاضر از پنج مقاله و رساله در ۵ موضوع مهم از مسائل حقوق اساسی مورد نیاز و مورد ابتلا در جامعه، تشکیل یافته است که هر کدام از این مسائل، موضوع یک کتاب مستقل می‌تواند باشد در واقع ۵ کتاب در یک کتاب گرد آمده است:

۱- اصل تفکیک و استقلال قوا و تطبیق شکل نظام جمهوری اسلامی با این دو اصل.

۲- استقلال قضا و انواع آن در اسلام و قانون اساسی.

۳- مسائلی چند در نقض و یا عدم اجرای قانون اساسی و گزارشی از وضعیت کلی اجرای قانون اساسی جمهوری اسلامی.

۴- مسائلی چند در مورد جرائم سیاسی و سیری عملی علی (ع) در این موضوع.

۵- مسئله محاربه و تفاوت‌های آن با بغی و جرم سیاسی، اشتباه و خلط مبحثی که در قانونگذاری رخ داده است.

بامحاسبه این مقدمه که خود مقاله مستقلی است، شش مقاله خواهد بود. روش ما در طرح و بررسی این موضوعات بدین گونه است که اولاً: در این مباحث و مقالات، موضوعاتی انتخاب شده است که در جامعه مبتلا به و مورد نیاز بوده و اثرگذار می‌باشند و بععلل مختلفی منشأ اختلافات تعارضات و تنازعات اجتماعی هستند و بررسی‌های حقوقی می‌تواند زمینه حل مشکلات را فراهم سازد و از بگو مگوها و تنازعات بکاهد و ثانیاً: در بررسی، ضمن تشریح موضوع، روش تطبیقی بکار رفته که وضعیت نحوه اجرا با واقعیت‌های قانون و

وضعیت قانون با واقعیت‌های مبانی آن، تطبیق و مقایسه گردیده و موارد ضعف و اشکال نشان داده شده است که تا منتهی به رفع و اصلاح آن‌ها گردد و ثالثاً: در پایان هر مقاله نتیجه‌گیری و خلاصه‌ای از آن ارائه شده است که همه اینها از اصول روش کاربردی است و جنبه کاربردی به مباحث می‌دهد.

این سلسله مباحث به یاری پروردگار همچنان ادامه دارد و مسائل مهمی در حقوق اساسی که در جامعه مورد نیاز و ابتلا هستند و منشأ نزاع، تنش و بگو مگوها می‌توانند باشند مورد بررسی قرار گرفته بصورت مجموعه مقالات ارائه خواهد شد تذکرات، نظرات و پیشنهادات صاحب نظران موجب غنای مباحث و شایسته تقدیر و تشکر خواهد بود. یا الله

هاشم‌زاده هریسی